ادامه از صفحه ۱۱

چرا فقط به تاریخ سیاسی و حکومتی می‌پردازیم؟

۳ برخی از کسانی که به تجزیه و تحلیل تاریخ می‌پردازند از یک خادم، خائن و از یک خائن، خادم می‌سازند. البته پرواضح است که این کار را به دستور حکومت یا حزب و سازمانی که به آن وابسته هستند انجام می‌دهند و به این وسیله با تحریف تاریخ و شخصیت‌های تاریخی امرار معاش می‌کنند. به‌خصوص گروه‌های چپ و مارکسیست‌ها که ایدئولوژی و افکار فلسفی و سیاسی خود را در تدوین تاریخ دخالت می‌دهند و تاریخ یک جامعه را دچار انحراف می‌کنند.

۴ وقایع‌نویسان بدون اینکه به تفسیر تاریخ و تجزیه و تحلیل وقایع تاریخی بپردازند حوادث سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و... را همان‌طور که در جامعه روی داده است، به صورت روزشمار بیان می‌کنند و وقایع‌نگار که او را مورخ نیز می‌نامند با تدوین یک تاریخ کامل برای افرادی که می‌خواهند در مورد مسایل جامعه و تاریخ تحقیق کنند راه را هموار می‌کند، گرچه بعضی می‌گویند تاریخ‌نویسان ایرانی تاریخ را رونویسی می‌کنند اما همین رونویسی تاریخ نیز یک علم است و همین تاریخ‌نویسان و وقایع‌نگاران که یک تاریخ سیاسی و مدون تدوین می‌کنند، خدمت بزرگی به اهل مطالعه می‌کنند و نمی‌توان آنها را متهم کرد که تاریخ را تحریف کرده و طوری به تجزیه و تحلیل پرداخته‌اند که از یک خادم، خائن می‌سازند و از یک خائن، خادم.

۵ یکی از مورخان قدیم و کلاسیک در یکی از آثار خود که به تاریخ بیهقی معروف است، می‌گوید که مورخ منصف و عادل که به جامعه و سرزمین‌اش عشق می‌ورزد و علم را برای علم نمی‌خواهد بلکه علم را برای حیات معقول می‌خواهد باید از سه چیز در تاریخ‌نویسی پرهیز کند: تقطیر، تبذیر و تحریف تاریخ. او می‌گوید یک مورخ نباید از نظر مالی، سیاسی و وابستگی‌های دیگر زیر سلطه حکومت باشد وگرنه نمی‌تواند دست به نوشتن یک تاریخ مدون و کامل و حقیقی و دور از تحریف بزند.

۶ رابطه تاریخ و سیاست، همیشه یک رابطه مستقیم بین تاریخ یک جامعه و سیاست حاکم بر آن بوده است. به همین سبب تاریخ‌هایی را که تدوین شده یا در حال تدوین است بیشتر تاریخ سیاسی است. در این رابطه تعاریف متفاوتی از تاریخ و سیاست شده است و این تعاریف رابطه مستقیم با نوع اقتصاد حاکم بر آن جامعه دارد؛ مثلا جامعه کمونیستی تعریف خاصی را که در جهت منافع آن حکومت قرار دارد از تاریخ و سیاست ارایه می‌دهد و جامعه سرمایه‌داری همچنین و جامعه مذهبی همچنین و جامعه‌ای که از اختلاط سرمایه‌داری

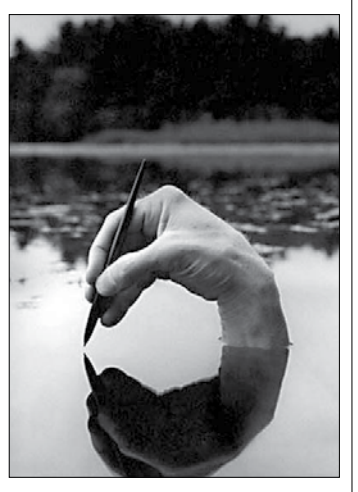

و سوسیالیسم تشکیل شده مانند کشورهای اسکاندیناوی نیز تعریف خاصی از تاریخ و سیاست دارند. مثلا ناپلئون که رهبر جامعه سرمایه‌داری فرانسه است، می‌گوید: تاریخ جز گمراه کردن مردم، فایده دیگری ندارد و در تعریف سیاست می‌گوید: هیچ سیاستی شکست نمی‌خورد مگر اینکه در مقابل سیاست قوی‌تری قرار گیرد. حالا اگر از دید او بخواهیم تاریخ سیاسی را تعریف کنیم باید چه تعریفی ارایه دهیم؟

تعاریف متعددی از تاریخ و سیاست شده است که به بعضی از آنها می‌پردازیم:

جرجی زیدان می‌گوید: اگر رجال سیاسی تاریخ می‌دانستند، اشتباهات گذشتگان را تکرار نمی‌کردند.

ژان پل سارتر درباره تاریخ می‌گوید: استنتاج هر کس از تاریخ به بینش، نژاد و تربیت او بستگی دارد و سارتر در تعریف سیاست می‌گوید: سیاست یعنی خود را برتر دانستن و دیگران را به این باور وادار کردن.

فرانتس فانون می‌گوید: اول تاریخ سرزمین خود را بدان، بعد تاریخ دیگران را بخوان.

آلفرد روزنبرگ می‌گوید: هر کس تاریخ بداند، هم در گذشته زندگی می‌کند هم در زمان حال.

گوته می‌گوید: هیچ تاریخی نیست که خالی از حب و بغض و اشتباه باشد.

اسمایلز می‌گوید: سیاست همان علم زندگی است.

چرچیل می‌گوید: سیاستی موفق‌تر است که عده زیادتری را امیدوار کند.

و در پایان کاردینال ریشیلو می‌گوید: سیاست باتلاقی است که هر کس در آن پا گذاشت در آن غرق خواهد شد.

خلاصه مطلب اینکه به علت اطاله کلام، در همین جا مقاله را به پایان می‌رسانم تا حوصله خوانندگان سر نرود.

کنفرانس سران آمریکا شوروی و انگلستان در تهران و نتایج آن

ابرقدرت‌ها در خاک ایران

(از راست به چپ) چرچیل، روزولت، استالین

محمود فاضلی

با اینکه از ابتدای سال ۱۹۴۳ میلادی ارتش آلمان در تمامی جبهه‌ها با شکست مواجه شده و مشغول عقب‌نشینی بود ولی برای هماهنگ کردن مساعی متفقین و به‌خصوص گشایش جبهه دوم در خاک اروپا که مورد تقاضای شوروی‌ها بود، ملاقاتی بین سران کشورهای بزرگ که رهبری جنگ علیه آلمان را بر عهده داشتند ضروری به‌نظر می‌رسید. به پیشنهاد ژوزف استالین نخست‌وزیر وقت شوروی، تهران برای اجتماع سران کشورهای شوروی، انگلستان و آمریکا در نظر گرفته شد اما متفقین به هیچ‌وجه دولت ایران را در جریان کنفرانس نگذاشتند و از مذاکرات آن نیز اطلاعی به دولت میزبان خود ندادند. تنها در روز ورود رهبران متفقین، نخست‌وزیر ایران (علی سهیلی) در جریان قرار داده شد. کنفرانس تهران که در چهارمین سال جنگ دوم جهانی تشکیل شد، تمام وقت خود را صرف طرح نقشه‌های جنگی و مراحل بعدی نبرد تا شکست کامل آلمان کرده و حل مسایل مربوط به بعد از حصول پیروزی را به کنفرانس دیگری موکول کرد.

روز ۲۵نوامبر استالین از مسکو و روز بعد فرانکلین روزولت رییس‌جمهور آمریکا و وینستون چرچیل نخست‌وزیر انگلیس از قاهره وارد تهران شدند و در ۲۸نوامبر ۱۹۴۳ (ششم‌آذر ۱۳۲۲) کنفرانس تاریخی تهران که اثرات مهمی در جریان جنگ جهانی دوم داشت در تهران تشکیل شد. این کنفرانس در محل سفارت شوروی در تهران برگزار شد و شاه نیز برای شرکت در کنفرانس ناگزیر بود به سفارت برود. در جریان کنفرانس، چرچیل و روزولت حاضر نشدند به دیدار شاه بروند و با او تنها در محل سفارت دیدار می‌کردند. دیدار استالین با شاه در کاخ مرمر نیز با تلاش و خواهش یکی از اطرافیان شاه به نام احمدعلی سپه (مورخ‌الدوله) از مسوولان سفارت شوروی صورت گرفت. فردوست در کتاب ظهور و سقوط خود در این زمینه آورده: «سفارت شوروی تاکید کرده بود که به هنگام ورود استالین به کاخ مرمر، گارد شاه باید برچیده شود و گارد ویژه استالین مستقر شود. شاه نیز با خوشحالی این درخواست را پذیرفت.» در مدتی که کنفرانس تهران جریان داشت اقداماتی به منظور حفظ منافع ایران و روشن کردن وضع کشور پس از جنگ از طرف زمامداران ایران به عمل آمد. سهیلی و ساعد مراغه‌ای وزیر امور خارجه با مولوتف و ایدن وزیران خارجه شوروی و انگلستان و ژنرال پاتریک هرلی مشاور مخصوص رییس‌جمهوری آمریکا ملاقات و مذاکره کرده و در نهم آذر یادداشتی درباره مساعی ایران در دوره جنگ به نفع متفقین تسلیم سران سه دولت کردند. در بخشی از این یادداشت آمده است: «ایران که با ابراز همکاری صمیمانه و خالصانه طبق پیمان سه‌گانه و تشریک مساعی با متفقین در این پیروزی سهیم می‌باشد، قطع (یقین) دارد که متفقین تمام زحمات و خساراتی را که از اوضاع جنگ به ایران وارد آمده کاملا در نظر خواهند گرفت. با امتحانی که ایران در این مدت از همکاری صمیمانه و تشریک مساعی خالصانه خود در تمان شوون و مراحل نشان داده و برای تامین پیروزی متفقین و برافکندن ریشه ظلم و ستم از جهان مافوق قدرت و توانایی خود و با تحمل مشکلات اقتصادی بی‌شمار بذل مساعی نموده و با نتیجه با اعلان جنگ به آلمان اعتماد و اطمینان کامل متفقین را جلب نموده و انتظار دارد که متفقین در تحویل رشته‌های حیاتی امور مملکتی که فعلا در دست آنهاست و واگذاری امنیت کشور به قوای نظامی و انتظامی خود ایران و تامین جمیع وسایل این کار اهتمام خاص معمول دارند تا بدین نحو اعتماد و اطمینان موجوده صورت عمل به‌خود گیرد.»

در بخش دیگری از این یادداشت تاکید شده است: «دولت و ملت ایران رجای واثق دارند که تعهدات کتبی و اطمینان‌های شفاهی که از طرف متفقین نسبت به تمامیت و استقلال ایران داده شده است با کمک و مساعدت‌های مادی و معنوی در تمام رشته‌های سیاسی و اقتصادی تقویت یافته و ایران بتواند بدین وسیله نقش باافتخاری را که در گذشته بین کشورهای متمدن جهان به عهده داشته در آتیه نیز ادامه دهد.»

براساس این یادداشت اعلامیه‌ای در ۱۰ آذر ۱۳۲۲ (اول دسامبر ۱۹۴۳) به امضای روزولت و چرچیل و استالین رسید که به اعلامیه تهران معروف است. در این یادداشت آمده است: «رییس‌جمهوری کشورهای متحد آمریکا، رییس‌جمهور اتحاد جماهیر شوروی و نخست‌وزیر ممالک متحد انگلستان پس از مشورت بین خود و با نخست‌وزیر ایران مایلند موافقت سه دولت را راجع به مناسبات خود با ایران اعلام دارند. دولت‌های کشورهای متحد آمریکا، شوروی و انگلستان کمک‌هایی را که ایران در تعقیب جنگ علیه دشمن مشترک و مخصوصا در قسمت تسهیل وسایل حمل‌ونقل مهمات از ممالک ماوراء بحار به اتحاد جماهیر شوروی به عمل آورده تصدیق دارند. سه دولت نامبرده تصدیق دارند که این جنگ مشکلات اقتصادی خاصی برای ایران فراهم آورده و موافقت دارند که با در نظر گرفتن احتیاجات سنگینی که عملیات جنگی جهانی بر آنها تحمیل می‌کند و کمی وسایل حمل‌ونقل در دنیا و همچنین کمی مواد خام و سایر حوایج کشوری، کمک‌های اقتصادی خود را تا حد امکان به دولت ایران ادامه بدهند.» در این یادداشت همچنین آمده است: «دولت‌های کشورهای متحد آمریکا و اتحاد جماهیر شوروی و ممالک متحد انگلستان در حفظ استقلال و حاکمیت و تمامیت ارضی ایران با دولت ایران اتفاق نظر دارند و به مشارکت ایران با سایر ملل صلح دوست در برقراری صلح بین‌المللی و امنیت و سعادت بعد از جنگ طبق اصول منشور آتلانتیک که مورد قبول هر چهار دولت است استظهار دارند.»

در کنفرانس تهران، درخصوص تجزیه آلمان نیز گفت‌وگوهایی به عمل آمد. روزولت تنها راه مجازات آلمان را تجزیه این کشور عنوان کرد و چرچیل و استالین هم با این نظر مخالفت نکردند. با اینکه استالین پیشنهاد کنفدراسیونی کردن آلمان را رد می‌کرد و آن را تهدیدی علیه امنیت مرزهای شوروی می‌دانست ولی پیشنهاد تجزیه آلمان را به‌عنوان پایه مذاکرات پذیرفت. به موجب اسناد و مدارک محرمانه‌ای که بعدا درباره جریان مذاکرات کنفرانس تهران منتشر شد استالین در این کنفرانس موضوع منابع نفتی ایران و کشورهای ساحلی خلیج‌فارس را نیز مطرح کرد و خواستار توافقی درباره تقسیم این منابع در آینده شد. ولی چرچیل گفت زمان طرح این مساله نیست و مسایل اقتصادی جهان باید به طور کلی در پایان جنگ مورد بررسی قرار بگیرد. اما بزرگ‌ترین موفقیتی که در کنفرانس تهران نصیب استالین شد نزدیکی به روزولت و جلب اعتماد او بود که نتایج خود را در مدت باقیمانده جنگ و کنفرانس یالتا نشان داد.

کنفرانس تهران که در دوره دوم کابینه علی سهیلی برگزار شد، از ابتدا تا انتها به صورت محرمانه و بدون انتشار اخبار آن ترتیب یافت. اولین خبر مربوط به این کنفرانس پس از عزیمت رهبران متفقین به کشورهایشان، توسط سهیلی در جلسه مشترک هیات دولت، نمایندگان مجلس و سران لشکری و کشوری در روز دهم آذر ۱۳۲۲ منتشر شد. سهیلی گفت: «ابتدا از طریق کاردار شوروی در تهران در جریان برگزاری این اجلاس در تهران قرار گرفتم.» روز دهم آذر رهبران هر سه کشور از ایران خارج شدند

ضمنا دولت‌های آمریکا و انگلستان به منظور ابراز حسن‌نیت خود و اهمیتی که برای ایران قایل بودند، سفارتخانه‌های خود را در تهران به درجه سفارت کبری ارتقا دادند. سفارت شوروی قبلا در ۱۳۰۴ در آغاز سلطنت رضاشاه به درجه سفارت کبری ارتقا یافته بود. نتایج کنفرانس تهران که به مدت سه روز ادامه داشت از لحاظ جریان جنگ به این قرار بود:

الف – ایجاد جبهه دوم و پیاده شدن نیروهای مشترک آمریکایی و انگلیسی و کانادایی و فرانسه آزاد به خاک نورماندی در ششم ژوئن ۱۹۴۴.

ب – ضد حمله بزرگ ارتش سرخ در تابستان ۱۹۴۴ که منجر به بیرون ماندن قطعی آلمانی‌ها از خاک شوروی شد. ارتش آلمان که از دو طرف در میان ضربات سهمگین نیروهایی قرار گرفته بود که به‌مراتب از آن قوی‌تر بود، نتوانست پایداری کند و به‌تدریج ایتالیای مرکزی، بلژیک و کشورهای اروپای‌شرقی را تخلیه کرد و به سرحدات عقب‌نشینی کرد. ولی امضاکنندگان این اعلامیه، چندان پایبندی به تعهد خود راجع به ایران نشان ندادند. به‌این معنا که پافشاری انگلیس و شوروی بر کسب امتیازات نفتی از دولت ایران و به‌خصوص اقدام روس‌ها در منوط کردن خروج نیروهایشان از ایران به اخذ امتیاز نفتی دریای خزر، نقض آشکار حاکمیت ملی و تمامیت ارضی ایران و نقض تعهداتشان در اعلامیه یادشده بود. زمانی که استالین اعلامیه احترام به استقلال و حاکمیت ملی و تمامیت ارضی ایران را امضا می‌کرد، شهرهای شمالی ایران در اشغال ارتش سرخ بود و وقتی اعتبارنامه سیدجعفر پیشه‌وری نماینده حزب توده در نخستین روزهای کار مجلس چهاردهم رد شد، وی و قاضی محمد به‌عنوان رهبران دو حزب دموکرات آذربایجان و کردستان با کمک نظامی روس‌ها در دو استان یاد شده، اعلام خودمختاری کردند. روس‌ها تا زمان انعقاد قرارداد تاسیس شرکت مختلط نفت ایران و شوروی ـ ۱۵ فروردین ۱۳۲۵ ـ و تشکیل کابینه ائتلافی با حزب توده در تهران ـ ۱۰ مرداد ۱۳۲۵ ـ حاضر به خروج از ایران نشوند. آمریکایی‌ها و انگلیسی‌ها نیز که در کنفرانس تهران، اعلامیه استقلال و حاکمیت ملی و تمامیت ارضی ایران را امضا کردند، به راحتی مایل به خروج از ایران نبودند. سه ماه پس از آن امضا در اسفند ماه ۱۳۲۲ دو هیات انگلیسی و آمریکایی از جانب شرکت‌های نفتی شوکونی ـ واکیوم و سینکلر آمریکایی و شرکت رویال داچ شل انگلیسی ـ هلندی به تهران آمدند و هر دو تقاضای امتیاز نفت در نواحی جنوب شرقی ایران را کردند. مذاکرات و حتی حضور نمایندگان مزبور در تهران محرمانه نگاه داشته شده بود و جز چند نفر از مقامات بلندپایه دولت کسی از مذاکرات ساعد نخست‌وزیر با آنان اطلاعی نداشت. انگلیسی‌ها زمانی نیروهای خود را از شهرهای جنوبی ایران خارج کردند که توانستند طیف وسیعی از سیاسیون وابسته به خود را در جریان تقلبات انتخاباتی چهاردهمین دوره قانونگذاری ایران به مجلس بفرستند. در همین دوره بود که سید ضیاءالدین طباطبایی عامل کودتای انگلیسی سوم اسفند ۱۲۹۹ که از ۲۲ سال پیش از آن در خارج از ایران و از جمله ۱۹ سال در اروپا به سر می‌برد، به خواست انگلیسی‌ها به تهران بازگشت و به‌عنوان نماینده به مجلس چهاردهم راه یافت. کنفرانس تهران که در دوره دوم کابینه علی سهیلی برگزار شد، از ابتدا تا انتها به صورت محرمانه و بدون انتشار اخبار آن ترتیب یافت. اولین خبر مربوط به این کنفرانس پس از عزیمت رهبران متفقین به کشورهایشان، توسط سهیلی در جلسه مشترک هیات دولت، نمایندگان مجلس و سران لشکری و کشوری در روز دهم آذر ۱۳۲۲ منتشر شد. سهیلی گفت: «ابتدا از طریق کاردار شوروی در تهران در جریان برگزاری این اجلاس در تهران قرار گرفتم.» روز دهم آذر رهبران هر سه کشور از ایران خارج شدند.

منابع:

– سیاست خارجی ایران در دوران پهلوی، هوشنگ مهدوی، نشر البرز، ۱۳۷۵.

– روابط خارجی ایران از ابتدای دوران صفویه تا پایان جنگ جهانی دوم جهانی، هوشنگ مهدوی، امیرکبیر، ۱۳۷۵

– ظهور و سقوط سلطنت پهلوی، موسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، ج اول.

– فصلنامه تاریخ روابط خارجی، نشریه مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امورخارجه، شماره‌های ۷ و ۸.

– سایت موسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی.

ادامه از صفحه ۱۰

نیکولویی که ماکیاولیست نبود

ماکیاول در رساله شهریار به جهان‌بینی هابز در لویاتان و حکومت برآمده از این نوع جهان‌بینی نزدیک‌تر است اما «گفتارها»ی ماکیاولی او را در قامت یک انسان آزادیخواه می‌نشاند که نه‌تنها آزادی را به مسلخ امنیت نمی‌برد بلکه اعتقاد دارد: «... عده اندکی آزادی می‌خواهند تا بر دیگران حکومت کنند. ولی بقیه خواستار آزادی‌اند تا در زندگی امنیت داشته باشند.» (گفتارها، کتاب اول، ص ۸۶، ترجمه محمدحسن لطفی) و به نویسندگان قانون اساسی این توصیه را می‌کند: «کسی که می‌خواهد برای کشوری قانون اساسی خوبی بنویسد، وظیفه اصلی‌اش این است که همه احتیاط‌های لازم را برای حفظ آزادی به‌عمل آورد.» (فصل ۵، کتاب اول) اگرچه ماکیاول در اینجا پایه‌های یک حکومت امن را بر آزادی بنا می‌کند و نکوهش خود را نثار کسانی می‌کند که قدرت را برای ویرانگری به‌کار می‌برند نه برای هدفی سودمند (فصل ۲۴، کتاب اول) اما هنوز بدنام‌ترین نویسنده سیاسی است و لکه ننگ بدنامی از ناصیه‌اش پاک‌شدنی نیست. سرچشمه این بدنامی انحصار نیکولو ماکیاولی در کتاب «شهریار» و به‌خصوص در فصول ۱۵ تا ۱۸ است که بدنامی مفرطی را برایش به بار آورده است. ماکیاول در فصل ۱۵ از رساله شهریار می‌نویسد: «هر که بخواهد در همه حال پرهیزگار باشد در میان این همه ناپرهیزگاری سرنوشتی جز ناکامی نخواهد داشت. از این رو شهریاری که بخواهد شهریاری را از کف ندهد، باید شیوه‌های ناپرهیزگاری را بیاموزد و هرگاه نیاز باشد به کار ببندد.» (ص ۳۲، ترجمه داریوش آشوری) در حالی که در فصل ۳۸ از کتاب اول «گفتارها» در برابر این شهریاران موضع می‌گیرد و می‌نویسد: «من فرمانروایانی را که اکثریت مردم را دشمن خود ساخته و مجبورند برای حفظ مقام خود به زور توسل جویند بدبخت می‌دانم... از این رو بهترین راهی که قدرتمندان در پیش می‌توانند گرفت این است که بکوشند تا دوستی مردم را جلب کنند.» (ص ۸۶، کتاب اول) اما شاه‌بیت ماکیاول بعد از توصیه به حاکمی که قصدش نه برپایی نظام جمهوری است و نه پادشاهی و اینکه باید بنیان همه چیز را براندازد، تنگدستان را توانگر و توانگران را تنگدست سازد، شهرهای کهنه را ویران کند و شهرهای نو بسازد و مردمان را از جایی به جایی دیگر کوچ دهد و خلاصه اینکه هیچ چیز را دست‌نخورده باقی نگذارد، این است: «البته همه این وسایل ستمگرانه‌اند و ویرانگر زندگی مدنی و هر انسانی نه‌تنها در مقام تابع دین مسیحیت بلکه به‌دلیل انسانیت باید از آنها دوری گزیند و زندگی شهروندی بی‌نام و نشان را به سلطنتی که به قیمت جان آن همه آدمی به چنگ آید برتری نهد.» (فصل ۲۶، کتاب اول)

جدول ۱۳۸۱

افقی:

۱- دوران دبستان- خر- شمای بیگانه ۲- سروری- برادر حضرت ابراهیم- مارپیچ بزرگ ۳- تمام‌کننده- سخن، کلام- کسی که پیشاپیش زایران حرکت کند و آواز خواند ۴- رودی در فرانسه- نویسنده «ویکتوریا»- از مواد دفعی بدن ۵- حیوان نجیب- بالش- صدا پخش‌کن ۶- ستاره- پرورش‌دهنده حیوانات اهلی- درنده جنگلی ۷- خانه زنبور عسل- جای بحث و کاوش- برابر و مساوی ۸- نی‌نواز هارون‌الرشید- درس نوشتنی ۹- شگرد- پایتخت ترکیه- پیک کاغذی ۱۰- عصبانیت- انبوه- پاداش، جزا ۱۱- یکی پس از دیگری- قسمت اعظم بدن موجودات زنده را تشکیل می‌دهد- کشور مبارک ۱۲- الکترود متصل به قطب منفی- جدا از دیگران- از مبطلات نماز ۱۳- خوراک قناری- نوعی یخه- عارف سربدار ۱۴- دادگری- سپاهی- دوست مخلص ۱۵- سه کیلو- بیماری قرن- صفتی برای نوزادان پسر

عمودی:

۱- کوهی که کشتی نوح بر آن نشست- بزرگوار- عمومی‌تر ۲- حرف نداری- جمع ناسک- آب پس دادن ظرف ۳- همبازی جری- جنس مدال نفرسوم مسابقات ورزشی- خانه‌ها ۴- گروه- نزدیک شدن- مرکز یونان ۵- به پایان‌رسانیدن- تظاهر- شلوار جین ۶- امتدادیافته- مدرسه قدیم -سخت‌ترین مجازات ۷- یک عامیانه- فرمان کشتی- صد مترمربع- کانون دایره ۸- خویشاوندان- از ماشین‌آلات کشاورزی ۹- نام خدای مصریان‌قدیم-نفس غنیمتی-گرامی‌تر-طلیعه‌اعداد ۱۰- زباندار بی‌زبان- پدر- حلال شرعی ۱۱- ضمیر اشاره- از سوره‌های قرآن -سازی که با لب نواخته می‌شود ۱۲- چگونه- عدد سوم- ناپدید ۱۳- اثری مشهور از ملوین- منسوب به خاندان امیه- بیماری پوستی ۱۴- زیاده‌گوی- حاشیه کتاب- از حروف مقطعه قرآن ۱۵- وزیدن- جمع وزیر- عمده فروش

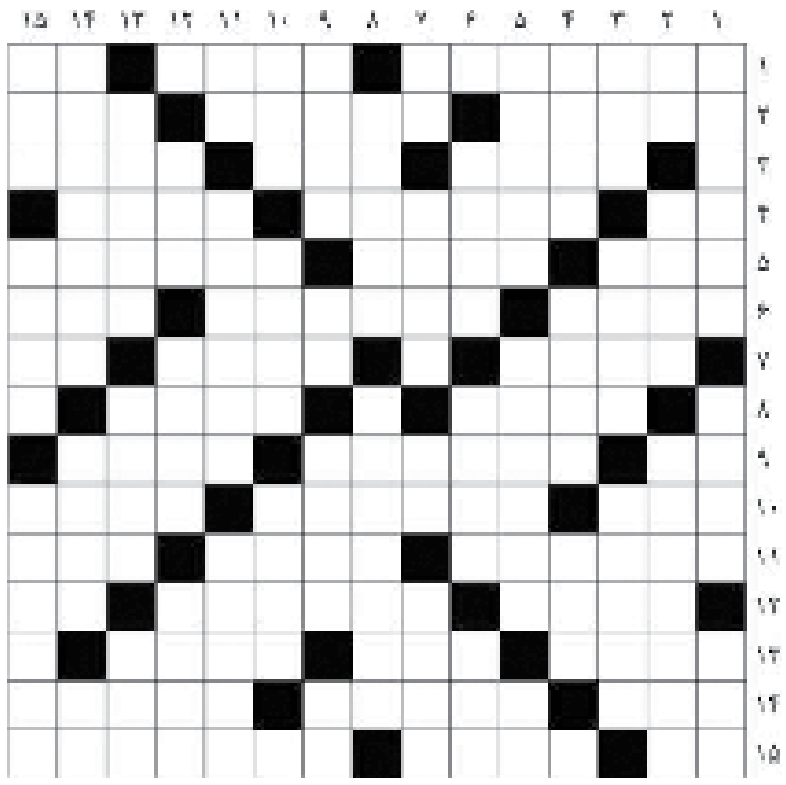

حل جدول ۱۳۸۰

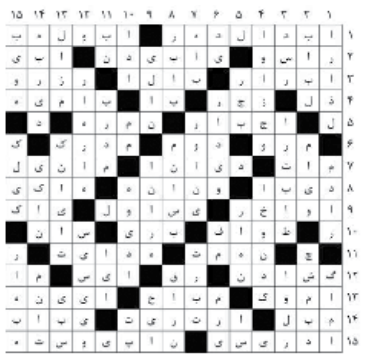

سودوکو

سودوکو Sudoku یک واژه ترکیبی ژاپنی به معنای عددهای بی‌تکرار است و امروزه به جدولی از اعداد گفته می‌شود که به عنوان یک سرگرمی رایج در نشریات کشورهای مختلف به چاپ می‌رسد.

سودوکو ۳۸۴

۶	۵		۳				۸	
	۹	۴	۷			۱		۳
		۳	۹	۸		۵	۴	
۴	۳	۹		۷	۲			
	۸	۶	۵	۱				۴
		۱	۴		۳		۹	۷
		۷			۸	۹		۱
			۲		۷	۴		۶
	۶	۵				۲		

حل سودوکو ۳۸۳

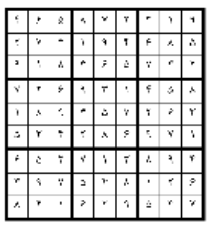

قانون‌های حل جدول سودوکو:

۱- در هر سطر و ستون باید اعداد یک تا ۹ نوشته شود. بدیهی است که هیچ عددی نباید تکرار شود.

۲- در هر مربع ۳×۳ اعداد یک تا ۹ باید نوشته شود و در نتیجه هیچ عددی نباید تکرار شود.

سودوکو سخت ۳۴

			۹	۳			۵	
۳			۶				۲	
۴				۵	۱	۸		
		۷	۴		۲			
	۹	۴		۱			۶	
۶		۲	۸			۷		
					۹			۵
	۱					۴		۷
	۲	۵					۹	
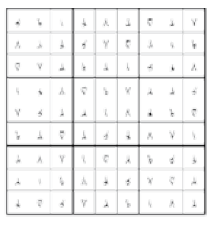
حل سودوکو سخت